



عقوبت برای مدیریت جهاد

وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا

عنکبوت: ۶۹

■ مفاهیم برآمده از انقلاب اسلامی، دارای وجوه متعددی هستند. هم، صبغه‌ای از آرمان‌خواهی درونشان است، هم درون‌مایه‌ای استکبارستیز دارد، هم احیاء‌گر سنت‌های منصوص و مروی اسلامی است و هم وارث ارزش‌های اخلاقی ناب دینی مانند ایثار، تعاون، یک‌رنگی و همدلی است. این مفاهیم، آنچنان پرشور، در زندگی شخصی و اجتماعی مردم وارد شدند، که دوره اول انقلاب را به دوره‌ای کاملاً متمایز و درخشان و به قول امروزی‌ها نوستالژیک تبدیل کرد.

یکی از مهم‌ترین مفاهیم تولیدی انقلاب اسلامی، «جهاد سازندگی» بود.



رنگ‌تر و بی‌روح‌تر و باصطلاح
فرمالیته شد.

حالا، سال‌هاست که ضرورت نگاه
جهادی در فعالیت‌ها و مدیریت
جهادی در سازماندهی امور به
عنوان یک خلأ و آسیب جدی
و حیاتی، تذکر و هشدار داده
می‌شود. رهبر فرزانه انقلاب، بارها
و بارها، لزوم جهادی عمل کردن را
متذکر شده‌اند و آن را، راه مطلوبی
برای اکنون انقلاب اسلامی نام
برده‌اند. حتی در این میانه، یک
سال را به عنوان سال «عزم ملی
و مدیریت جهادی» نامیدند و
فرمودند که این توصیه برای همه
سال‌های پیشرو برای ملت، مورد
نیاز است.

به نظر می‌رسد این عرصه،
یک عرصه کاملاً عملیاتی است
و آنچه را که در او ان پیروزی
انقلاب دیدیم، نیز حکایت از
همین وضعیت عملیاتی داشت.
به عبارت دیگر، کسی نیامد «از
لحاظ دانشی» به تئوریزه کردن
این حوزه بپردازد و افراد دیگری
بر آن مبنا و منوال، آن را عملیاتی
کنند. اما آنچه در سال‌های ادغام
و انحلال و التقاط فعالیت‌های
انقلابی شاهد بوده‌ایم، این
است که انگار دیگر شرایط برای
انجام فعالیت جهادی، آن هم

نمود. تلاش برای ساخت‌دهی،
عموماً از اینجا نشأت می‌گرفت که
بتوانند با بسیج امکانات و قدرت
ستادی و پشتیبانی بیشتر، یک
کار انقلابی را سرعت ببخشند، اما
خیلی زود، انحراف جدی اتفاق
افتاد و آن انتقال یک فعالیت
پویا و انقلابی مردمی به یک
ساختار ایستا و اداری دولتی
بود. در حقیقت، عوارض منفی
فعالیت‌های با تصدی‌گری دولت
کاملاً منتقل شد و فواید یک کار
مردمی جمع‌گرا نیز زائل گردید.
بدیهی است هر چه زمان بر این
ساختارهای ایستا می‌گذشت،
جمود فعالیت‌ها بیشتر می‌شد و
مهم‌ترین، رنگ و لعاب ایثارگری
و دیگرخواهی هم کم‌رنگ‌تر و
بی‌مایه‌تر می‌شد. طرفه آنکه،
اگر می‌خواهیم آرمان‌خواهی در
فعالیت‌ها استحاله شود، بهترین
و راحت‌ترین راه، اضافه کردن قوه
حساب‌گری مادی و به اصطلاح دو
دو تا چهار تا، در متن یا حاشیه
است که یکی از ثمرات زودبازده
آن، نگاه‌های ساختاریافته و
ایستا است. لذا طولی نکشید که
کمیته، نیروی انتظامی شد و جهاد
هم به ظاهر ادغام و در حقیقت
مستحیل. تقریباً با این دو اتفاق
و مشابه آن، صبغه جهادی کم

در حقیقت ورود مفهوم جهاد
به عرصه ساخت و آبادانی کشور
خاصه در روستاها و در حمایت
از محرومین و پابرهنگان و کوخ
نشینان، ترکیبی مبارک را رقم
زده بود. این مفهوم ابتدائاً حوزه
کشاورزی را هدف قرار داد و البته
بعدها، حوزه‌های عمرانی، صنعتی
و سازندگی دیگر را نیز در بر گرفت.
مهمترین و محوری‌ترین نگاه در
این عرصه، مهرورزی حقیقی و
دستگیری از هم نوع بدون دریغ
و منت بود. این تعاطف، طوری
کارها را پیش می‌برد که شاید هیچ
سوخت دیگری، این همه همدلی،
دیگرخواهی، اتحاد و ایثار تولید
نمی‌کرد.

با شروع جنگ، این ایثار در
عالی‌ترین سطحش که جنگ و
جهاد در راه خدا و جانبازی برای
دین و میهن بود، جلوه کرد و ظهور
یافت.

البته آرام آرام، ساخت‌دهی
فعالیت‌های انقلابی هم شروع
شد. در میانه جنگ، کمیته‌های
انقلاب به وزارت کشور منتقل
شدند و جهاد هم دارای وزارت
خانه‌ای شد و شیخ‌الوزرای فعلی
کابینه دولت آقای روحانی، در
آن زمان، اولین تجربه وزارتی‌اش
را در وزارت جهاد سازندگی آغاز

اول انقلاب - همان سال ها که بدون بخشنامه و دستورالعمل، ایثارگری و جهادی عمل کردن، نشانه عمل صالح بود و دیگر هیچ - به دنبال پیش نیازها و الزامات و ملزوماتی باشیم که سبب ساز درخشان شدن چهره فعالیت های انقلابی به صورت جهادی شدند. فهم درست و دقیق فضایی که این فعالیت ها را امکان بروز و

به صورت گسترده و فراگیر مهیا نیست. انگار، اولویت ها و نیازها تغییر کرده است. انگار سبک زندگی امروزی، مدیریت جهادی و جهادی عمل کردن را عنصری نامطلوب و یا حداقل ناسازگار با سایر عناصر می داند. انگار و انگار و صدها انگار دیگر... به همین منظور، شاید لازم باشد، از مجموع فضا و فعل سال های

ظهور می داد و تجارب جهادی دوران های مختلف، به ما کمک می کند که در مورد تحقق این موضوع در الآن انقلاب اسلامی، امکان سنجی کنیم و اگر شرایط را بروفق مراد نیافتیم، به دنبال راه و چاره برای برون رفت از وضعیت ناساز و نازای مدیریت امروزی و نسخه های وارداتی اش باشیم.

فرهنگ سازان، مجریان و... فراهم شود.
۷- تجربه سایر کشورها در این حوزه، منتقل گردد.
از آنجا که ظرفیت های مختلف انتقال مطلب به صورت نوشتاری در قامت و قالب یک نشریه، بسیار بالاست، لذا تلاش می شود با انتشار این نشریه، نوعی تازگی و طراوت در عرصه مدیریت جهادی حاصل شود. امید است در این مسیر، از ارشادات و همراهی ها و همیاری های همه دست اندرکاران و علاقه مندان به این «ضروری امروز انقلاب اسلامی» بهره مند شویم،
ان شاء الله.

عمل را دارد، از این جمله اند. یکی از ابزارهای رسانه ای هسته، مجله مدیریت جهادی است.
این مجله از این جهت متولد می شود تا:
۱- فهم بهتری از این سبک مدیریت - یا دقیق تر مکتب - در کنار سایر انواع مدیریت حاصل شود.
۲- تجربه های مختلف در عرصه های متفاوت ارائه و عرضه شود.
۳- قابلیت تبدیل این حوزه در یک عرصه دانشی فراهم شود.
۴- زمینه ساز اشاعه و ترویج این نوع مدیریت شود.
۵- اطلاعات و اخبار برجسته این حوزه منتقل شود.
۶- ظرفیت تبادل اطلاعات و تعامل بین بازیگران مختلف این عرصه در سطوح مختلف (سیاستگذاران،

هسته مطالعاتی مدیریت جهادی مرکز رشد برای این منظور قیام کرده است؛ قیام کرده تا بتواند امری زمین مانده و بسیار ضروری و واجب حیات امروزی مان را فهم کند و بفهماند و این موضوع علاوه بر تبدیل شدن به یک مطالبه عمومی به یک گفتمان ملی و وفاق انگیز بدل گردد.
بدین منظور، هسته مدیریت جهادی، ظرفیت های متعدد و مختلفی را طراحی و برنامه ریزی نموده است. بهره گیری از برنامه های آموزشی، کارگاهی، تحقیقاتی، ارتباطی و رسانه ای که به نوعی نقش سایر حلقه های مکمل در زنجیره عرضه و نشانند مدیریت جهادی در عرصه نظر و

